

## تجارت در عصر ادرسیان و اهمیت آن در روابط ادرسیان با دولت های همجوار (۱۷۲-۳۶۳ ق.ه)

### رضا دشتی

استادیار گروه تاریخ تمدن ملل اسلامی، واحد بوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، بوشهر، ایران.

(نویسنده مسئول)

فصلنامه علمی پژوهشی تاریخ (شاپا) ۲۰۰۸-۲۰۲۱ سال ۱۸ شماره ۶۸ - صفحه ۴۱۱-۳۸۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۳/۲۱

### چکیده

ادریس بن عبدالله (۱۷۲-۱۷۷ ق.ه) در اواخر قرن دوم دولت ادرسیان را در مغرب اقصی تأسیس نمود. ادرسیان توانستند با ایجاد امنیت در راه های تجاری و اعمال سیاست های صحیح اقتصادی، زمینه های لازم برای شکوفایی اقتصادی بخش های مختلف اقتصادی مغرب اقصی را فراهم نمایند. ادرسیان با رواداری، احترام به مالکیت خصوصی، ارائه طرح های متنوع اقتصادی، ایجاد امکانات رفاهی برای تجار و بازرگانان، ایجاد و توسعه مراکز اقتصادی مانند بازارهای متعدد داخلی و بازارچه های مرزی، باعث رونق اقتصادی داخلی و برقراری تجارتی شکوفا با دولت های همجوار خود - علیرغم همه اختلافات سیاسی، مذهبی و تضاد منافع اقتصادی - گردیدند. این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی، درصدد پاسخ به این سؤال است که ادرسیان چه کار ویژه هایی برای رونق تجارت در عصر خود انجام داده ؟ و تجارت در روابط ادرسیان با دولت های همجوار چه جایگاهی داشته است؟ نتیجه اینکه اقدامات مختلف و متعدد دولت ادرسیان باعث رونق و گسترش تجارت در عصر آنان شد و تجارت عاملی تأثیرگذار در روابط ادرسیان با دولت های همجوارشان، علیرغم دشمنی میان آنها، به حساب می آمد و در نهایت باعث دیرپایی حکومت آنان به مدت دو قرن گردید.

**واژگان کلیدی:** ادرسیان، تجارت، اقتصاد، سیاست خارجی، مغرب

#### مقدمه

چگونگی شکل گیری دولت ادریسیان در مغرب الاقصی اسلامی به دوران خلافت هادی عباسی (۱۶۹-۱۷۰ ه.ق) و به قیام فح در حجاز بر می گردد. در سال ۱۶۹ ه.ق یکی از علویان بنام حسین بن علی بن حسن (ع) در حجاز بر علیه عباسیان قیام نمود، در نتیجه این قیام، حسین بن علی رهبر قیام و همه همراهانش به جز دو نفر، شهید شدند (اصفهانی، ۱۳۸۰: ۴۳۷؛ مسعودی، ۱۳۸۷: ۳۳۲/۲). یکی از آن دو، ادريس بن عبدالله دایی حسین بن علی رهبر قیام فح بود که از دست عباسیان، به مغرب الاقصی اسلامی پناه برد (یعقوبی، ۱۳۷۱: ۴۰۷/۲). ادريس پس از رفتن به مغرب، در ولیلی و نزد رئیس قبیله اوربه یعنی اسحاق اوربی ساکن شد. رئیس اوربه تحت تأثیر تواضع، صبر، زهد و تقوای، ادريس قرار گرفت و خود و قبیله اش با ادريس بیعت نمودند (مکناسی، ۱۹۷۳: ۱۹، ۲۰؛ سلاوی، ۲۰۰۱: ۱۶؛ ابن ابی زرع، ۱۹۷۲: ۲۰-۱۹؛ ابن عذارى مراکشی، ۱۹۵۰-۱۹۴۷: ۱۰۱/۱؛ ابن خطیب، ۱۹۶۴: ۱۹۰). پس از بیعت قبیله اوربه سایر قبایل بربر نیز، به ادريس اقبال نمودند و با او بیعت کردند. اینگونه ادريس توانست نخستین دولت علوی را بنام دولت ادریسیان در مغرب تأسیس نماید (مکناسی، ۱۹۷۳: ۲۰؛ ابن ابی زرع، ۱۹۷۲: ۲۰؛ ابن عذارى مراکشی، ۱۹۵۰-۱۹۴۷: ۱۰۱/۱؛ کنون، ۱۹۷۵: ۴۳-۴۵/۱). بنابراین دولت ادریسیان نخستین دولت شیعی بعد از دولت معصومین (ع) در تاریخ اسلام است که در مغرب الاقصی تأسیس شد و به مدت دو قرن تداوم یافت (لاپیدوس، ۱۳۷۶: ۵۲۸؛ دانشکیا، ۱۳۹۶: ۹۶). لازم به توضیح است که چگونگی شکل گیری دولت ادریسیان و تحولات سیاسی، اجتماعی مربوط به آن، موضوع این پژوهش نمی باشد.

قبل از تشکیل دولت ادریسان در مغرب اسلامی، یعنی در زمان فتوحات مسلمانان، بربرها شورش های مکرری بر علیه مسلمانان در مغرب به راه انداختند که در مواردی با خشونت هر چه تمام توسط مسلمانان سرکوب شدند و هر چند که بربرهای مغرب اقصی تسلیم اسلام شدند و در برابر اسلام و دولتمردان مسلمان رام و فرمانبردار گردیدند (نریمان فرد، رفیعی، ۱۳۷۹: ۱۸۱) ولی پیامدها و نتایج مخرب فراوانی از شورش های بربرها به جای مانده بود که از جمله آثار مخرب این شورش ها، رکود و خرابی بخش های مختلف اقتصادی، یعنی کشاورزی، صنعت و بویژه تجارت بود. از جمله این شورش ها می توان به شورش کاهنه اشاره کرد که دستور قطع درختان و ویران کردن

آبادی ها و دژهای میان طرابلس و طنجه را داد (ابن عذارى مراکشى، ۱۹۵۰-۱۹۴۷: ۲۶/۱) تا به خیال خودش مسلمانان را از اندیشه تسلط بر سرزمین های ویران، خشک و بی حاصل باز دارد. از دیگر شورش های بربرها می توان به شورش میسره مطغری، شورش خالد زنتی و برغواطه اشاره نمود (همان ۶۱/۱-۵۴؛ ناصری طاهری، ۱۳۸۹: ۱۷-۱۲). از طرف دیگر سیاست های ناکارآمد برخی از کارگزاران دولت اموی در مغرب و تحت فشار قرار دادن ساکنان مغرب از طریق افزایش مالیات ها و خراج زمین ها باعث خرابی اوضاع اقتصادی مغرب اسلامی و گرایش مردم آن نواحی به شورشیان بربر و یا خوارج شد. همچنین بحران های سیاسی مداوم، درگیری والیان اموی و عباسی با بربرها، درگیری های قبیلگی و منازعات دولتها با خوارج، باعث بی توجهی بیشتر دولتمردان مسلمان مغرب به امور اقتصادی آنجا شده بود به نحوی که این بی اعتنایی ها باعث ویرانی و نابسامانی شهرها، خرابی مزارع، بی رونقی تجارت و مهمتر از آن نا امنی راه ها در مغرب تا اواخر قرن دوم هجری شد تا جایی که مردمان گرسنه مغرب از سر ناچاری به خوردن حیوانات حرام گوشتی چون سگان روی آورده بودند (سلاوی، ۲۰۰۱: ۱۱۲؛ ابوالفداء، ۱۳۴۹: ۱۸۱؛ مؤلف مجهول، ۱۹۸۵: ۲۰۱).

با تشکیل دولت ادریسیان در مغرب و ایجاد امنیت در راه های مواصلاتی توسط آنان و همچنین اعمال سیاست های درست اقتصادی، بستر لازم برای شکوفایی و رونق اقتصادی در بخش های مختلف اعم از کشاورزی، صنعت، معدن و خصوصاً تجارت و بازرگانی مغرب اسلامی فراهم شد. هر چند که منابع درباره سیاست های اقتصادی که ادریسیان بوسیله آن توانستند رونق اقتصادی را در ابعاد مختلف بویژه تجارت به مغرب بازگردانند، سخنی نمی گویند ولی جهانگردان گزارش های متنوعی از رونق اقتصادی عصر ادریسیان در زمینه های مختلف ارائه نموده اند (یعقوبی، ۱۴۲۲: ۱۹۹-۱۹۷؛ ابن حوقل، ۱۹۳۸: ۹۱/۱-۷۹؛ حموی، ۱۹۹۵: ۲۳۰/۴؛ اصطخری، ۲۰۰۴: ۳۴).

مسئله اصلی این پژوهش در واقع این است که چه ارتباطی بین استقرار دولت ادریسی با بهبود اوضاع اقتصادی و تجاری مغرب اقصی وجود داشته است. لذا این پژوهش درصدد پاسخ به این سوالات است که ادریسیان چه کار ویژه هایی برای رونق تجارت در عصر خود انجام داده ؟ و تجارت در روابط ادریسیان با دولت های همجوار چه جایگاه و اهمیتی داشته است؟

فرضیه پژوهش بر این است که ادریسیان با آگاهی از جایگاه و نقش تجارت در رونق اقتصادی، روند شکوفایی تجارت و بازرگانی را از طریق تقویت بخش های مختلف اقتصادی و تأمین امنیت خطوط مواصلاتی زمینی و دریایی فراهم نموده و علیرغم تمام خصومت هایی که با همسایگان خود داشتند، حساب تجارت را از خصومت های مذهبی و سیاسی جدا نموده و اقتصاد را در آن خطه از جهان اسلام رونق بخشیدند.

در باب ضرورت تحقیق باید گفت که بررسی اوضاع تجارت در عصر ادریسیان و جایگاه و اهمیت آن در روابط ادریسیان با دولت های همجوار از آنجایی ضروری می نماید که شناخت اوضاع تجاری عصر ادریسیان و همچنین روابط تجاری ادریسیان با دولت های همجوار- علیرغم دشمنی میان آنان- برای شناخت تاریخ اقتصادی نخستین دولتی که توسط علویان در مغرب اسلامی تأسیس شد بسیار حائز اهمیت است. چرا که ادریسیان هم توانستند گسترش و تثبیت اسلام را در آن منطقه از جهان باعث شوند و هم با شکوفایی اقتصاد و تجارت مغرب الاقصی دولتشان به مدت دو قرن تداوم یابد. بررسی و شناخت تجارت ادریسیان و روابط تجاری آنان با دولت های همجوارشان از اهداف مورد نظر این تحقیق است چرا که میان این دو مقوله ارتباط تنگاتنگی وجود داشته است. از یک طرف رونق تجارت در عصر ادریسیان زمینه رفاه عمومی و جذب تجار و بازرگانان و سایر مهاجران را به قلمرو آنان فراهم می ساخت و از طرف دیگر تجارت به عنوان ابزار و زمینه ای برای مراودات تجاری با دولتهای همجواری که همگی به اشکال مختلف با آنان در نزاع دائمی بودند، موثر و پر فایده بوده است.

در مورد پیشینه تحقیق باید گفت که بیشتر پژوهش هایی که تاکنون درباره ادریسیان انجام شده مربوط به تأسیس دولت ادریسیان، مذهب ادریسیان و مناسبات سیاسی آنان با دولت های همجوارش بویژه اغالبه، خوارج و سپس امویان اندلس و فاطمیان است. از جمله آن پژوهش ها، تحقیق محمد حسین دانشکیا (۱۳۹۶) است که در مقاله ای به نام «وضعیت و نقش دولت ادریسیان در تمدن اسلامی» معتقد است ادریسیان با الهام از آموزه های اسلامی و ارتباط مستحکم با اهالی مغرب و دعوت آنان به شهرنشینی، توانستند آنان را در زمینه های مختلف اقتصادی اعم از کشاورزی، صنعت، معدن و بویژه تجارت و بازرگانی ارتقاء دهند. دانشکیا در مقاله خود به برخی از مؤلفه های پژوهش

حاضر نیز، اشاراتی مختصر داشته است. اعظم بهرامی و فاطمه جان احمدی (۱۳۹۵) در مقاله «رفتار سیاسی دولت شیعی ادریسیان با دولت های خوارج در مغرب اسلامی» ضمن اشاره به تقارن زمانی ادریسیان، خوارج بنی مدرار و خوارج بنی رستم به بررسی روابط آنان پرداخته اند. آنان در نتیجه معتقدند که گونه ای از مناسبات و رفتار سیاسی در دو بعد مسالمت آمیز و خشونت آمیز در حوزه های مختلف در بین آن دولت ها حکم فرما بوده است. محمود ذکاوت (۱۳۹۱) در مقاله ای تحت عنوان «تأملی در مورد چگونگی شکل گیری حکومت ادریسیان» ضمن بیان گاه شماری سیاسی دولت ادریسی، بیشتر حجم مقاله خود را متوجه روند شکل گیری آن دولت نموده است و در نتیجه نقش دو عامل «علویان» و «بربرهای شمال آفریقا» را در شکل گیری دولت ادریسیان مؤثر دانسته است. هادی عالم زاده (۱۳۸۴) نیز در مقاله ای با عنوان «مذهب ادریسیان»، ضمن بررسی تطورات مذهبی عصر ادریسی، نظر مورخان را در خصوص مذهب ادریسیان به بوته نقد و بررسی گذاشته است. در مجموع باید گفت که علیرغم بررسی های صورت گرفته پژوهشی مستقل با این عنوان و موضوع خاص که به «تجارت در عصر ادریسیان و اهمیت آن در روابط ادریسیان با دولت های همجوار» پرداخته باشد ملاحظه نگردید.

روش تحقیق این پژوهش توصیفی - تحلیلی مبتنی بر گردآوری اطلاعات به شیوه کتابخانه ای است. اینگونه که ضمن بررسی داده های تاریخی، به بررسی نقش و اهمیت تجارت در تحولات داخلی ادریسیان و جایگاه تجارت در روابط ادریسیان با دولت های همجوار می پردازد.

نوآوری مقاله پیش رو در مقایسه با پژوهش های ذکر شده این است که تأکید مقاله بر نقش ادریسیان در زمینه سازی و شکوفایی اقتصادی مبتنی بر تجارت و بازرگانی در مغرب اسلامی است، که بصورت ویژه در مناسبات ادریسیان با دولتهای همجوار - علیرغم تمام خصومت ها- دیده شده است، مؤلفه ای که در تحقیقات انجام شده قبلی، یا اصلاً دیده نشده و یا اینکه بصورت جدی دنبال نشده است.

## بحث

مروری کلی بر ساختار اقتصادی عصر ادریسیان تا اواخر قرن دوم هجری، بحران های سیاسی - نظامی مستمر، درگیری های والیان مغرب با بربرها، نبرد خوارج با حکومت های مرکزی، جنگ های قبیله ای متداول در مغرب و همچنین اهتمام والیان

و امیران به امور نظامی و بی توجهی آنها به امور اقتصادی سبب شد تا اقتصاد مغرب اسلامی، قبل از تشکل دولت ادریسی نابسامان و تا حدودی ویران باشد. با تشکیل دولت ادریسی و ثبات سیاسی در مغرب اقصی، شکوفایی اقتصادی آن خطه از جهان اسلام آغاز شد. بخش قابل توجهی از اقتصاد تجاری و بازرگانی عصر ادریسیان مبتنی بر فرآورده های کشاورزی، صنعتی و معدنی آنان بود که ضمن تأمین مایحتاج داخلی قلمرو ادریسیان، بخش مهمی از آن فرآورده ها را به خارج از قلمرو خود بویژه به اندلس، مصر، افریقه و دیگر مناطق پیرامونی و دور دست صادر می نموده اند.

کشاورزی: یکی از بخش های مهم اقتصادی عصر ادریسی کشاورزی بود. ادریسیان پس از استقرار سیاسی در مغرب اقصی، توجه خاصی به کشاورزی نمودند و با استفاده از ظرفیت های موجود جغرافیایی مغرب اقصی که دارای خاکی حاصلخیز بود و با استفاده از منابع آبی مختلف اعم از باران، آب های جاری و روخانه ای و در مناطق کم برخوردارتر با حفر چاه و قنات از ظرفیت های خدا دادی مغرب به خوبی استفاده کرده و کشاورزی را رونق بخشیدند. ادریسیان مردم را تشویق و کمک می کردند تا در مناطق پر آبی مانند فاس که دارای رودخانه بود از سیستم آبیاری و کشت آبی استفاده کنند (یعقوبی، ۱۴۲۲: ۱۹۷). اراضی حاصلخیز فاس و موقعیت پر آب آن با سیاست های تشویقی و اجرایی مبتنی بر قراردادهای مواجره، باعث پیشرفت و رونق کشاورزی این منطقه شد (اسماعیل، ۱۳۸۳: ۶۱) به نحوی که ادریسی جغرافیدان قرن ششم، فاس را دارای نعمت های فراوان، میوه ها و گندم زیاد و ارزان و محل کشت بهترین محصولات می داند (ادریسی، ۱۴۰۹: ۲۴۳ و ۲۴۶/۱).

اما در مناطقی مثل سجلماسه که فاقد رودخانه دائمی و چشمه بودند، کشاورزی آن بستگی به نزولات جوی داشته و در آنجا کشت دیم رواج داشت (یعقوبی، ۱۴۲۲: ۱۹۸). با این حال سجلماسه دارای باغها و درختان زیتون و انگور بود (مقدسی، ۱۳۶۱: ۳۱۰). سجلماسه نخلستانهای فراوان و خرمای اعلاء و فراوانی داشته است (ابن بطوطه، ۱۳۷۶: ۳۳۹/۲)، همچنین محصولات گوناگون دیگری چون ارزن، ذرت، انگور، میوز، انار و غیره در آنجا به عمل می آمد (یعقوبی، ۱۴۲۲: ۱۹۸؛ مقدسی، ۱۳۶۱: ۳۲۹).

یکی از سیاست های کارآمد ادریسیان در بخش کشاورزی بکارگیری گسترده سیستم آبیاری مصنوعی با استفاده از کانال های آبی در مناطق کم آب بوده است (حموی، ۱۹۹۵: ۲۳۰/۴). ادریسیان آبراه هایی شبکه ای بوجود آوردند که به وسیله آن، آب رودها را به داخل باغ ها و اراضی کشاورزی و حتی خانه ها هدایت می کردند (سوادی، ۱۹۸۹: ۱۰۸ و ۱۰۷).

از دیگر شهرهای حاصلخیز قلمرو دولت ادریسی، شهر بصره بود که مرکز کشت پنبه، گندم و حبوبات بود و همچنین شهر باباقلام بود که اراضی حاصلخیز، پر آب و دارای باغ های میوه فراوانی داشته است (ادریسی، ۱۴۰۹: ۵۳۱/۲ و ۵۳۰).

در مجموع در عصر ادریسی کشت گندم و جو در اکثر مناطق مغرب، رایج و فراوان بود (ابن حوقل، ۱۹۳۸: ۷۷، ۷۸، ۸۸/۱)، در مناطق حاشیه صحرا کشت گندم جای خود را به کشت جو- بدلیل سازگاری بیشتر با کم آبی- می داد. در واحه ها کشت ذرت رایج بود و در مناطق گرمسیری کشت برنج به مقدار کم وجود داشت (قلقشندی، ۱۹۸۷: ۱۶۹/۵)، در طنجه، بصره، وادی سبو واقع در شرق فاس پنبه کشت و برداشت می شد (بکری، ۱۸۵۷: ۱۱۰). همچنین نیشکر در سجلماسه و تارودانت (مؤلف مجهول، ۱۹۸۵: ۲۱۲)، اغمات (ابن حوقل، ۱۹۳۸: ۹۰/۱)، سبت (قلقشندی، ۱۹۸۷: ۱۵۲/۵)، وادی درعه (حموی، ۱۹۹۵: ۴۵۱/۲) و در سایر مناطق سوس اقصی کشت و به عمل می آمد (بکری، ۱۸۵۷: ۱۶۱؛ مؤلف مجهول، ۱۹۸۵: ۲۱۱؛ قلقشندی، ۱۹۸۷: ۱۶۹/۵). بخش عمده ای از این محصولات کشاورزی که مازاد بر نیاز مصرف داخلی بود توسط تجار و بازرگانان ادریسی و دیگر تجار به سرزمین های همجوار صادر می شده است (ابن حوقل، ۱۹۳۸: ۸۰/۱؛ سوادی، ۱۹۸۹: ۱۰۷).

صنعت و معدن: از دیگر بخش های اقتصادی عصر ادریسی بخش صنعت و معدن بود. قبل از تشکیل دولت ادریسی صنایع مغرب عموماً محلی بودند و تنها مرتبط با نیازهای روزمره ساکنان آنجا بود، ولی با تشکیل دولت ادریسی، صنایع رونق گرفتند و آنها تعدادی از صنایع را از اندلس اقتباس نمودند (مونس، ۱۹۹۲: ۴۱۷/۱) و در قالب پذیرش مهاجر، زمانی که صاحبان حرفه از اندلس، آفریقای، اعراب، ایرانیان و یهودیان به فاس آمدند ادریسیان از مهارت و حرفه آنان استفاده نمودند (چلونگر و برزگر، ۱۳۹۴: ۲۰۳). از مهمترین صنایع عصر ادریسی روغن گیری بود که در همه قلمرو ادریسی رونق داشت و از آن هم برای مصارف غذایی، سوخت چراغ، صابون سازی و هم

روغن اندود کردن پشت بام اماکن، استفاده می شد، برای صادرات روغن، آن را درون کدوهای خیلی بزرگ ریخته و از شهری به شهر دیگر حمل می کردند (ابن بطوطه، ۱۳۷۶: ۳۴۶/۲). از دیگر صنایع ادریسیان صنعت تهیه شکر است که در شهرهای بصره، تارودانت و بلاد سوس اقصی رونق داشت (بکری، ۱۸۵۷: ۱۶۱؛ مؤلف مجهول، ۱۹۸۵: ۲۱۲ و ۲۱۱).

سایر صنایع عصر ادریسی عبارت بود از: صنعت نساجی و بافندگی از پنبه، کتان، پشم و ابریشم (سائح، ۲۰۰۰: ۴۷/۲ و ۴۶)، صنایع پوست و چرم که در ساخت زین اسب، خورجین، کفش و جلد کتاب استفاده داشت، صنعت فرش، حصیر گلیم و قالیچه که در نقاط مختلف مغرب رونق داشته است (مونس، ۱۹۹۲: ۱۷/۱)، صنعت ساخت ظروف سفالین بسیار مرغوبی که به ظروف چینی شباهت داشت و صنعت ساخت زیورآلات طلا و نقره که توسط یهودیان اداره می شد (سائح، ۲۰۰۰: ۵۱/۲). از دیگر صنایع عصر ادریسی می توان به، صنعت اسلحه سازی و ساخت ملزومات نظامی (حموی، ۱۹۹۵: ۲۳/۵؛ نصرالله، ۱۹۸۷: ۱۴۲، ۱۴۰)، صنعت شیشه سازی، کاغذ سازی و ضرب سکه اشاره کرد (سوادی، ۱۹۸۹: ۱۰۸؛ سائح، ۲۰۰۰: ۵۳/۲).

در بخش معادن ادریسیان با احیاء معادن طلا و نقره اقدام و گام مهمی برای رونق تجارت و بازرگانی مغرب اسلامی برداشتند چرا که بازرگانی عصر ادریسی مبتنی بر فلز گرانبهای طلا بوده است (مؤلف مجهول، ۱۹۸۵: ۱۷۸). بیشتر معادن طلا و نقره مغرب اسلامی در مناطق پیرامونی سجلماسه (همان، ۵۶؛ مقدسی، ۱۳۶۱: ۳۳۰؛ اصطخری، ۲۰۰۴: ۳۴)، فاس، سوس اقصی (مؤلف مجهول، ۱۹۸۵: ۱۸۰)، تازرات (بکری، ۱۸۵۷: ۱۶۱) و طنجه قرار داشتند (ابن عذارى، ۱۹۵۰-۱۹۴۷: ۲۶؛ مؤلف مجهول، ۱۹۸۵: ۱۳۹). غیر از معادن طلا و نقره، فاس دارای معادن نمک (ابن ابی زرع، ۱۹۷۲: ۴۴؛ مکناسی، ۱۹۷۳: ۴۴/۱) و بلاد سوس اقصی دارای معادن مس و آهن بودند (عبدالرزاق، ۱۹۸۹: ۴۱). در مجموع باید گفت که ادریسیان با داشتن اقتصادی قوی مبتنی بر محصولات و فرآوردهای کشاورزی، صنعتی و معدنی و داشتن درآمدهای سرشار از معادن طلا و نقره و سایر معادن، با ایجاد امنیت در راه ها و سایر اقدامات و سیاست های اقتصادی، تجارت پر رونقی برای مغرب اقصی اسلامی فراهم نموده بودند. آنها امر تجارت و بازرگانی را از سایر مسائل و مشکلات سیاسی و



مذهبی که با دولت های همجوار داشتند مستثنی نموده و این امر شکوفایی تجارت در عصر ادریسیان را برای آنان و ملل پیرامونی آنها به همراه داشته است.

تجارت و اهمیت آن در عصر ادریسیان

مغرب الاقصی اسلامی از نظر جغرافیای سیاسی موقعیت ویژه ای میان مشرق اسلامی، اندلس، صحرای بزرگ آفریقا و سودان از یک طرف و دریای مدیترانه از جهت دیگر داشته است و در واقع مرکز ثقلی بود که حوزه نفوذش تا مناطق مجاور آفریقه امتداد یافته بود. راه های تجاری متعددی در مغرب وجود داشت که از آنها برای انتقال طلای سودان استفاده می شد، این راه های مواصلاتی بر اهمیت تجاری مغرب دو چندان می افزود (بکری، ۱۸۵۷: ۱۷۲ و ۱۸۳؛ ادریسی، ۱۹۵۷: ۲۵/۱-۲۳).

موقعیت جغرافیایی مغرب اقصی به گونه ای بود کاروانهای تجاری به راحتی می توانستند از فاس پایتخت پس کرانه ای ادریسیان با دیگر مناطق و نواحی مغرب اسلامی از جمله سجلماسه، قیروان و تاهرت ارتباط برقرار کنند. در واقع فاس محل تلاقی و چهارراه عبور و مرور کاروان های تجاری و محل مبادلات گسترده تجاری ملل و دول مسلمان با اروپائیان بود، به گونه ای که بیشتر ساکنان بخش عدوه القرویین فاس را صنعتگران و تجار تشکیل می دادند (چلونگر و برزگر، ۱۳۹۴: ۲۴۲).

در شهر فاس همواره تجار و بازرگانانی از ملل مختلف دور و نزدیک ساکن بودند و به کار تجارت مشغول بودند از جمله ایرانیانی که در حملات نظامی عباسیان همراه آنان به مغرب رفته بودند در عصر ادریسیان به فاس مهاجرت کرده و به کار تجارت مشغول بودند (عبدالرزاق اسماعیل، ۱۹۸۹:

۴۴). همچنین در همین دوره گروه هایی از تجار و بازرگانانی از اندلس، قیروان، سجلماسه (سائح، ۱۹۸۶: ۱۵۹) و تجار سودانی و یهودی نیز در فاس و سایر مناطق مغرب الاقصی به فعالیت تجاری اشتغال داشتند (همان، ۴۵). در عصر ادریسیان اهتمام و توجه به تجارت به گونه ای بود که شغل اصلی مردمان برخی از شهرهای قلمرو آنان مثل شهر کرت در نزدیکی بصره تجارت بود (ابن حوقل، ۱۹۳۸: ۸۰/۱).

ادریسیان با درک درست از موقعیت ممتاز جغرافیای سیاسی مغرب اقصی، اقداماتی را در جهت استفاده هر چه بیشتر از این موقعیت و حفظ برتری خود در مبادلات تجاری انجام دادند. از جمله ایجاد امنیت در راه های تجاری مغرب، ضرب سکه هایی که قدرت اقتصادی بالایی داشت و امر تجارت را به خوبی تسهیل می نمود و گسترش بازارهای داخلی به عنوان شبکه توزیع کالا از دیگر

اقدامات ادریسیان در حوزه تجارت و بویژه تجارت داخلی بود. حاکمان ادیسی اقدامات و فعالیت های زیادی برای ایجاد امنیت در راه ها به منظور سهولت عبور و مرور کاروان های تجاری جهت استفاده از موقعیت ممتاز جغرافیایی مغرب اقصی و حفظ برتری در مبادلات تجاری انجام دادند از جمله سرکوبی دزدان و راهزنان حرفه ای چون علون که به تهدید راه ها و دزدی از قوافل می پرداخت، ادریسیان او را دستگیر و در ملاء عام اعدام کردند و سالها بدنش را بر درختی در راه رفت و آمد کاروان ها و مردم، مصلوب نمودند تا درس عبرتی برای راهزنان باشد (سلاوی، ۲۰۰۱: ۳۵؛ ابن ابی زرع، ۱۹۷۲: ۳۹؛ مکناسی، ۱۹۷۳: ۳۳). ادریسیان همچنین اهتمام ویژه ای نسبت به فراهم نمودن تجهیزات نظامی و ایجاد قلاع برای محافظت از مرزها و راه ها (کونل، ۱۳۴۷: ۲۱) داشتند علاوه بر آن ادریسیان نسبت به حفظ آبراه ها، مرزها و راه های تجاری دریایی و بنادر اقیانوس اطلس و دریای مدیترانه هم، توجه خاصی داشتند (نصرالله، ۱۹۸۷: ۱۴۲، ۱۴۸). در مجموع در بُعد راه ها ادریسیان با اهتمام ورزیدن به امنیت راه ها اعم از راه های بری و بحری، به توسعه تجارت کمک فراوانی نمودند (بکری، ۱۸۵۷: ۵۰).

از دیگر اقدامات ادریسیان برای توسعه تجارت و حفظ برتری خود در مبادلات تجاری ضرب سکه بود. در اولین سال تأسیس دولت ادریسیان یعنی سال ۱۷۲ق، ادیسی اول اقدام به ضرب سکه نمود (عبدالرزاق اسماعیل، ۱۴۱۱ق: ۵۹؛ همان، ۱۹۸۹: ۶۴). پس از آن نیز در سال ۱۷۸ ه.ق مجدداً دولت ادیسی به ضرب سکه مبادرت نمود (دانشکیا، ۱۳۹۶: ۹۷). روند ضرب سکه ادیسی در دوره ادیسی دوم در سال ۱۹۸ق و عصر محمد بن ادیسی در سال ۲۱۵ق ادامه یافت (نصرالله، ۱۹۸۷: ۱۴۵؛ زیب، ۱۹۹۵: ۱۴۵). هرچند که اوزان دینار و درهم مغربی از دینار و درهم مشرق اسلامی کمتر بود و حتی پول خرد آنان از نوعی شیشه چاپ خورده بود (مقدسی، ۱۳۶۱: ۳۴۵) ولی با عنایت به پشتوانه قوی اقتصادی مغرب اقصی در دوره ادیسیان، ارزش درهم ادیسی معادل نصف دینار در نزد اهالی مغرب بوده است. بنابراین سکه های ادیسی ارزش مبادلاتی بالایی در داد و ستدهای داخلی و در بازارهای تجاری مغرب اسلامی داشته است (نصرالله، ۱۹۸۷: ۱۴۲).

به نظر می رسد که ادریسیان برای ایجاد رونق اقتصادی قلمرو خود اقدام به گسترش بازارهای داخلی به عنوان شبکه توزیع کالا و محصولات مختلف می نموده اند. رویکرد ادیسیان به بازار به

گونه ای بود که ضمن حمایت از وجود بازارهای ثابت و محلی در هر شهر و منطقه، بازارهای نمایشگاهی و گسترده هم در شهرهای مختلف قلمرو آنان در ایام خاص سال و ایام مختلف هفته دایر بود. از جمله در عید قربان و عاشورا در شهر اصیلا، در روزهای یکشنبه در سوق اغمات، یکشنبه و پنج شنبه در فاس، چهارشنبه ها در ولیلی و جمعه ها در جبل عین الشمس و اصیلا بازارهای بزرگی دایر بود (بکری، ۱۸۵۷: ۱۱۶، ۱۱۲، ۱۱۱، ۱۰۸؛ نصرالله، ۱۹۸۷: ۱۴۴-۱۴۵) و تجار مناطق مختلف مغرب و مناطق مجاور کالاهای خود را در آن عرضه می نمودند. این بازارها در ابعادی وسیع و کاملاً متنوع تشکیل می شده اند از جمله درباره بازار اغمات گفته اند که: بازار اغمات که در روزهای یکشنبه هر هفته بر پا می شود، بازاری بزرگ است که در آن همه انواع کالاهای صنعتی و کالاهای تجاری عرضه می شود و در طی آن روزانه صد گاو و هزار گوسفند ذبح و عرضه می شود (بکری، ۱۸۵۷: ۱۵۳؛ قره چانلو، ۱۳۸۰: ۳۷۲/۲).

وجود بازارهای متعدد باعث مراوده ساکنان مناطق مختلف مغرب اقصی و پیدایش و استحکام دوستی در میان همه فرقه های اسلامی و حتی در مواردی گسترش اسلام در میان سایر نواحی آفریقا خصوصاً در نواحی مختلف سودان می شد (بکری، ۱۸۵۷: ۵۰).

ادریسیان انواع محصولات کشاورزی و کالاهای تولیدی و ترانزیتی خود را به سایر مناطق صادر می کردند از جمله؛ گندم، جو و پنبه شهر بصره را که به افریقیه و دیگر مناطق صادر می کردند (ابن حوقل، ۱۹۳۸: ۸۰/۱) شکر، زیره، انگور و کفش از شهر سجلماسه، پسته از شهر قفصه و خرما، گندم، پارچه های پنبه ای، پشمی و کتانی، ظرف های سفالین و شیشه ای و مواد معطر را از طریق فاس به سایر نواحی صادر می نمودند (سوادی، ۱۹۸۹: ۱۰۷). یکی از کالاهای صادراتی ویژه مغرب که معمولاً بصورت قاچاق به خارج و بویژه به اندلس صادر می شد لباسهایی بود که رنگ آن در شبانه روز متغییر بود. این لباس ها از کُرک نرم خَز مانند و زرد رنگ حشره ای معروف به «ابوقلمون» تهیه می شده است که در داخل ویژه استفاده خاندانهای حکومتی بود و بدلیل کمیابی و خاص بودن، صادرات آن بکلی ممنوع بود (مقدسی، ۱۳۶۱: ۳۴۵). مهمترین واردات مغرب اقصی در عصر ادریسیان از طریق سودان در جنوب تأمین می شد که عموماً شامل کالاهای ارزشمند عاج، پوست، مصنوعات شیشه ای، مسی و آهنی، انواع ادویه، میخک، بخور، منسوجات و مواد معدنی گرانقیمت مثل طلا بوده است و معاملات تجاری هم بصورت پایاپای و هم سکه های طلا و نقره صورت می

گرفت (اصطخری، ۲۰۰۴: ۳۴). مرادوات تجاری با سودان برای ادریسیان بسیار حائز اهمیت بود چرا که هم منافع سرشار اقتصادی برای آنان داشت و هم باعث گسترش اسلام در سودان غربی می شده است (نصرالله، ۱۹۸۷: ۱۴۵).

کاروان های تجاری مشرق از طریق مصر به برقه و قیروان در مغرب اوسط و از آنجا به فاس در مغرب اقصی می آمدند و ضمن عرضه کالاهای شرقی، در برگشت کالاها و محصولات مغرب اسلامی که در فاس متمرکز شده بود را با خود می بردند (همان، ۱۴۳).

غیر از تردد منظم کاروانهای زمینی تجار مشرق و مغرب به فاس مرکز حکومت ادریسیان، تجارت دریایی نیز در دوره ادریسی از رونق بالایی برخوردار بوده است. اهالی شهر بصره که در میانه طنجه و فاس قرار داشت و رودهای وادی سلا در سرزمین مغرب آنرا در میان گرفته بودند (اعتماد السلطنه، ۱۳۶۷: ۳۷۸/۱) به نقل از ابن حوقل جهانگرد معاصر ادریسیان، مال التجاره های خود را با کشتی بر روی رودخانه ها حمل می کردند و به سواحل اقیانوس اطلس می رساندند تا به هر جایی که می خواستند گسیل بدارند (ابن حوقل، ۱۹۳۸: ۸۰/۱). شهر کوچک یا قریه ماسه نیز در کنار اقیانوس اطلس بود که بازرگانان مغربی مال التجاره های خود را به آنجا حمل می کردند و اهالی آنجا با کشتی های خود مال التجاره ها را تا چین می فرستاده اند (یعقوبی، ۱۴۲۲: ۱۹۹).

همچنین در دوره ادریسیان تجارت دریایی گسترده ای بین بنادر ادریسی مليله، طنجه و سبته در دریای مدیترانه و بنادر العریش، اصیلا، آزمور و سلا در کرانه های اقیانوس اطلس با بنادر دیگر سرزمین ها بویژه بنادر بلنسیه، اشبیلیه، تدمیر، قابس و شاطبه در اندلس برقرار بوده است (عبدالرزاق، ۱۴۱۱: ۸۰؛ نصرالله، ۱۹۸۷: ۱۴۳).

به نظر می رسد که ادریسیان در دوره حکمرانی خود با اجرای طرح های جذاب در بخش های مختلف اقتصادی و احترام به مالکیت خصوصی در نواحی و شهرهای مختلف و ایجاد امکانات رفاهی و تأسیسات اقتصادی برای بازرگانان بویژه در شهر فاس، موجبات شکوفایی اقتصادی مغرب اقصی را فراهم نموده اند، این اقدامات باعث جذب تجار و بازرگانان و سرمایه گذاران مختلف عرب، مغربی، اندلسی و سایر مناطق دور دست شد و آنان برای زندگی و فعالیت تجاری و اقتصادی به مغرب اقصی ادریسی می آمدند (ابن خلدون، ۱۳۶۳: ۱۹/۳).

در مجموع باید گفت که ایجاد امنیت در راه‌ها (بکری، ۱۸۵۷: ۵۰)، سیاست تساهل و تسامح و ارائه طرح‌های اقتصادی متنوع و فراهم نمودن امکانات رفاهی برای تجار و بازرگانان و ایجاد و توسعه مراکز اقتصادی توسط ائمه ادریسی (ابن خلدون، ۱۳۶۳: ۱۹/۳)، باعث گسترش و شکوفایی تجارت در عصر آنان شده است. انباشت سکه‌های طلا، وفور کالای خارجی و ثروتمندی رعایای ادریسی از نتایج اهتمام ادریسیان به تجارت و بازرگانی بشمار می‌رود (نصرالله، ۱۹۸۷: ۱۴۵) به نحوی که ثروت و تمول رعایای ادریسی در کنار غنای مناطق تحت حاکمیت آنان، خودکفایی ادریسیان را- علیرغم نزاع و درگیری‌های مداوم میان آنان و دولت‌های همجوار- تضمین نموده و به ایجاد و تداوم حکومت مستقل آنان منجر گردید.

جایگاه و اهمیت تجارت در سیاست خارجی و روابط ادریسیان با دولت‌های همجوار در عصر ادریسیان، تجارت همواره به عنوان یک عامل و مؤلفه اصلی و تأثیرگذار در سیاست خارجی و روابط آنان با دولت‌های همجوار- علی‌رغم وجود اختلافات سیاسی و مذهبی موجود بین آنها- مطرح و دارای اهمیت و جایگاه ویژه‌ای بوده است.

از جمله دولتهای همجوار ادریسیان، بنی‌اغالبه بودند که در سال ۱۸۵ ه.ق در مغرب اسلامی دولت خود را تشکیل دادند (ابن اثیر، ۱۳۷۱: ۹۹/۱۶؛ ابن خلدون، ۱۳۶۳: ۱۱۲/۵). اقلیبیان حامی خلافت عباسی و در سیاست خارجی خود موافق و مجری سیاست‌های عباسیان بودند (قلقشندی، ۳۵۹ق: ۹۲؛ الغنیمی، ۱۹۹۴: ۳۹۲). از آنجایی که روابط ادریسیان با خلافت عباسی کاملاً خصمانه بود به تبع آن بنی‌اغلل نیز دشمن ادریسیان تلقی می‌شدند (سوادی، ۱۹۸۹: ۹۸؛ نصرالله، ۱۹۸۷: ۱۶۴ و ۱۶۲). ولی تجار و بازرگانان بطور مستمر در بین قلمرو این دو دولت متخاصم در تردد بودند و کالاهای تولیدی در قلمرو اقلیبیان مثل روغن، پسته، زعفران، خورجین و فرش را به مغرب اقصی گسیل می‌داشتند (مقدسی، ۱۳۶۱: ۳۴۳) و از قلمرو ادریسیان محصولاتمانند گندم، جو و پنبه را به افریقه تحت قلمرو اقلیبیان و دیگر مناطق صادر می‌کردند (ابن حوقل، ۱۹۳۸: ۸۰/۱). این روابط تجاری باعث کاهش اختلافات سیاسی و مذهبی بین آنان می‌شد به طوری که دشمنی میان آنان از شکل جنگ و درگیری مستقیم نظامی به شیوه‌های ملایم تری چون توطئه، ترور، تفرقه افکنی و تحریک آشوبگران تبدیل شده بود (الغنیمی، ۱۹۹۴: ۳۹۲؛ سوادی، ۱۹۸۹: ۱۰۰). به نظر می‌رسد از طرفی هم دو دولت ادریسی و اقلیبی توان و نیروی کافی را برای نابودی و انقراض یکدیگر نداشته‌اند و از

طرف دیگر هم به علت نیاز اقتصادی دولتین و شهروندان آنان به کالاهای یکدیگر، همواره مبادلات بازرگانی و تجاری میان آنان برقرار بوده و این روابط تجاری به لحاظ کاهش سطح مخاصمات بین طرفین از اهمیت و جایگاه ویژه ای برخوردار بوده است.

موقعیت جغرافیایی دولت ادریسیان در مغرب اقصی به شکلی بود که از سه طرف دولت های خوارج آن را در احاطه خود داشتند، لذا همواره رقابت میان ادریسیان و دولت های خوارج هم به علت اختلافات مذهبی و هم بر سر منابع اقتصادی بصورت درگیری های نظامی خود نمایی می کرد (عبدالرزاق، ۱۴۱۱: ۱۴۲-۱۴۱؛ نصرالله، ۱۹۸۷: ۱۶۶-۱۶۵). با این وجود به نظر می رسد که علیرغم وجود تعارض عقیدتی آشکار و کشمکش های نظامی میان ادریسیان با خوارج، تلاش هر دو طرف برای دست یابی به منابع راهبردی و پایدار اقتصادی و تجاری مغرب اسلامی، دلیل ارتباط مستمر تجاری میان آنها بوده است.

برغواطه از جمله دولتهای خوارج بود که در جنوب و قسمتی از غرب دولت ادریسیان واقع شده بود. دولت برغواطه بر مذهب صفریه بودند آنان در سال ۱۲۳ق در ناحیه تامسنا دولت خود را تأسیس و بصورت منقطع تا عصر موحدون به حیات خود ادامه دادند (مؤلف مجهول، ۱۹۸۵: ۱۹۷). بعضی از مورخین برغواطه را یهودیانی دانسته اند که دعوتی بدعت آمیز داشته اند (ابن عذاری، ۱۹۵۰-۱۹۴۷: ۲۲۳؛ مؤلف مجهول، ۱۹۸۵: ۱۹۷؛ عبدالحمید، ۱۹۶۴: ۴۳۲ و ۴۳۱).

اختلافات مذهبی بین برغواطه و ادریسیان و همچنین تسلط برغواطه بر منطقه تامسنا که در سواحل اقیانوس اطلس قرار داشت و به لحاظ صیادی، کشاورزی، دامداری و تجارت سرزمینی پر رونق بود (عبدالرزاق، ۱۴۱۱: ۱۴۸-۱۴۵) زمینه روابط خصمانه و وقوع مکرر جنگ بین آن دو دولت را فراهم نموده بود (سال، ۱۹۹۳: ۳۸ و ۳۹؛ شرحبیلی، ۲۰۰۰: ۵۴) به گونه ای که ادریس اول به محض تشکیل دولت خود به تامسنا حمله ور شد (ابن ابی زرع، ۱۹۷۲: ۲۰) و پس از ادریس، نوه اش محمد بن ادریس دوم (۲۱۳-۲۲۱ ه.ق) با هجومی قاطع دولت نخست برغواطه را در سال ۲۲۰ق منقرض نمود (عبدالرزاق، ۱۴۱۱: ۱۳۴). اما علیرغم همه اختلافات سیاسی-مذهبی بین آن دو دولت، روابط تجاری و بازرگانی مسالمت آمیزی بین طرفین برقرار بود به نحوی که بین خوارج برغواطه در جنوب و جنوب غربی با اهالی اغمات و سوس در مرکز قلمرو ادریسیان، کاروان های تجاری همواره در

تردد بودند و یهودیان در این روابط تجاری و بازرگانی نقش اساسی را عهده دار بوده اند (ابن حوقل، ۱۹۳۸: ۸۳/۱).

به نظر می رسد یهودیانی که قبل از اسلام از طریق روابط تجاری و بازرگانی در ناحیه تامسنا و در بین قبایل آنجا و بویژه قبیله مصادمه نفوذ کرده و در آنجا ساکن شده بودند بخشی از جامعه برغواطه را تشکیل می داده اند و با توجه به تساهل و تسامحی که تجار یهودی برای رونق تجارتشان به خرج می دادند به مرور زمان عقاید و باورهای بومیان با عقاید تجار یهودی در هم آمیخته و به شکل اندیشه هایی بدعت آمیز، ظهور و بروز یافته است. این تجار یهودی نقش مهمی در کاهش اختلافات قبیله ای و سیاسی اقتصادی میان دولت های خوارج با ادریسیان ایفا می نمودند.

از دیگر دولت های خارجی معاصر با ادریسیان، دولت بنومدرار بود که دولت خود را در سال ۱۵۵ ه.ق در سجلماسه تأسیس کرده بودند (ناصری طاهری، ۱۳۷۵: ۲۳۳). رابطه دولت بنومدرار با ادریسیان از بدو تأسیس خصمانه بود. علت دشمنی آن دو دولت علاوه بر اختلافات مذهبی و عقیدتی تاریخی میان شیعه و خوارج، به علل سیاسی و بویژه اقتصادی هم مربوط بود. از لحاظ سیاسی از یک طرف قبایلی مانند مکناسه، مغراوه و بنی یفرن که تابعیت سیاسی مشخصی نداشتند با تردد و مهاجرت مداوم بین دولت های ادریسیان و بنومدرار باعث تشدید اختلافات می شدند و از طرفی هم گروه هایی از خوارج صفریه در قلمرو ادریسیان بودند و دولت بنومدرار همواره بواسطه آنها دست به توطئه علیه ادریسیان می زد (عبدالرزاق، ۱۹۷۶: ۱۰۱-۱۰۰).

مهمترین علت اختلاف طرفین، علل اقتصادی بود چرا که ادریسیان همواره بدنبال دستیابی به طلای سجلماسه و نقره درعه از قلمرو بنومدرار بودند و این مسئله سبب درگیری های مداوم میان طرفین بود که در نتیجه درگیری های نظامی شهرها و بخش های مهمی از قلمرو خوارج بنومدرار به تصرف ادریسیان درآمد (عبدالرزاق، ۱۹۸۹: ۱۵۰) اما علی رغم این اختلافات و درگیری ها همواره روابط بازرگانی و مناسبات تجاری خوبی بین سجلماسه پایتخت حکومت خوارج بنومدرار و فاس برقرار بود و کاروان های تجاری با امنیت کامل میان قلمرو سرزمینی دو دولت در حال تردد بودند (ابن حوقل، ۱۹۳۸: ۹۹/۱).

روابط ادریسیان با دولت خارجی بنورستم (۱۶۰-۲۹۶ ه.ق) نیز به لحاظ سیاسی و نظامی خصمانه بود و با آنان نیز همانگونه رفتار شد که با برغواطه و بنومدار شده بود (عبدالرزاق، ۱۴۰۶: ۱۹۷) ولی

همواره به لحاظ تجاری روابط خوبی میان طرفین برقرار بوده است (چلونگر و برزگر، ۱۳۹۴: ۱۷۹)، به گونه ای که تجار و بازرگانان ایرانی قلمرو بنورستم که نقش مهمی در شکوفایی دولت بنورستم داشتند (ابن صغیر، ۱۴۰۶: ۶۱) در قالب تجارت به فاس رفتند و ضمن سکونت در فاس (عبدالرزاق اسماعیل، ۱۹۸۹: ۴۴) به عنوان ستون پنجم، از دولت ادریسیان برای بنورستم جاسوسی می کردند (چلونگر و برزگر، ۱۳۹۴: ۱۷۷).

هر چند که ادریسیان در بعد سیاسی با امویان اندلس نیز در تعارض بودند و همواره با دخالت در امور داخلی امویان اندلس، با تحریک شورشیان و معارضین سلطنت اموی اندلس آنان را در مقابل امویان حمایت می کردند (نعنی، ۱۳۸۰: ۱۶۵ و ۱۶۶؛ عبدالرزاق، ۱۹۸۹: ۱۶۸) ولی تجارت در روابط ادریسیان با دولت امویان اندلس از اهمیت و جایگاه ویژه ای برخوردار بوده است. امویان اندلس نیز ابتدا در دوره اقتدار ادریسیان، با کمک تجار و بازرگانان به جاسوسی در قلمرو ادریسیان مشغول بودند (همان، ۱۷۲، ۱۷۳ و ۱۷۶) و در دوره ضعف ادریسیان، امویان اندلس در رقابت با فاطمیان بر سر تسلط بر مناطق تجاری مغرب اقصی، آنجا را جولانگاه خود کردند (جنحانی، ۱۹۸۶: ۷۳؛ عبدالرزاق، ۱۹۸۹: ۱۷۵) و کالاها و بازرگانان اندلسی آزادانه در مسیر جادههای زمینی و دریایی که بازارها اندلسی را به بازارهای مغرب و خاور نزدیک متصل میکرد، در رفت و آمد بودند (کسائیان، عودی و پور محمدی، ۱۳۹۹: ۴۵). امیران اموی اندلس با برقراری روابط مطلوب اقتصادی سعی در بدست آوردن کالاهای ارزشمند مغربی داشتند لذا همواره از وزیران و کارگزاران خود می خواستند که با تجار مغرب اقصی رفتار مناسب و مطلوب داشته باشند چرا که برقراری و استمرار روابط خوب اقتصادی بین اندلس و مغرب اقصی ادیسی برای امویان مستقر در قرطبه حائز اهمیت بوده است (همان، ۱۷۳ و ۱۷۲).

مبادلات تجاری همواره بین دو دولت ادیسی و دولت اموی اندلس برقرار بود، این مناسبات و مبادلات تجاری ناشی از نیاز اقتصادی طرفین به یکدیگر بوده است به گونه ای که علی رغم رابطه خصمانه سیاسی، هر دو دولت در بازارچه مرزی «اصیلا» مبادلات بازرگانی و تجاری منظمی داشتند، و بعدها دو دولت در اقدامی هماهنگ و مشترک در تأسیس اصیلا به عنوان مرکز مهم مبادلات تجاری مغرب سهیم و نقش آفرین شدند. شهر اصیلا در یک منزلی طنجه ابتدا بصورت رباط و



سپس کاروانسرا بود ولی در همین دوره شکوفایی روابط اقتصادی بین ادریسیان و امویان اندلس، با تشریک مساعی تجار و بازرگانان اندلسی و مغربی و با عمران و آبادانی گسترش یافت و بصورت شهر و مرکز تجاری مهمی در شمال غرب آفریقا در آمد (بکری، ۱۸۵۷: ۸۸-۱۱۲).

در این دوره مسیر دریایی بین مراکش و اندلس مملو از کشتی های تجاری بود این کشتی ها کالاهای مغربی و اندلس را، از طریق بنادر ادریسی در دریای مدیترانه و سواحل اقیانوس اطلس به بنادر مختلف و متعدد اندلس حمل می کردند (نصرالله، ۱۹۸۷: ۱۴۳؛ عبدالرزاق، ۱۴۱۱: ۸۰). مرادوات تجاری ادریسیان با امویان اندلس چنان مستحکم بود که در زمان وقوع خشکسالی و قحطی اندلس در سال ۲۳۲ق، بازرگانان قلمرو ادریسی تأمین کننده مواد غذایی و مایحتاج ضروری اندلس شدند (ابن ابی زرع؛ ۱۹۷۲: ۹۶).

در دوره ضعف و انحطاط و تجزیه قلمرو دولت ادریسیان، دولت شیعه مذهب دیگری بنام فاطمیان که از لحاظ مذهبی و بر خلاف ادریسیان زیدی مذهب، معتقد به امامت بلاانقطاع بودند از دوره عبیدالله مهدی در شمال آفریقا، خلافت فاطمی را تاسیس و اعلام وجود کردند (دشتی، ۱۳۹۱: ۴۷). از این زمان به بعد ادریسیان نیز برای ایجاد ثبات سیاسی و جغرافیایی خود در تبلیغ مذهب زیدی خود اهتمام بیشتری به خرج دادند، این مقوله به عنوان یکی از عوامل مهم باعث ایجاد اختلاف بین فاطمیان و ادریسیان که هر دو شیعه مذهب بودند، گردید (جنتانی، ۱۹۸۶: ۷۴). به همین دلیل فاطمیان احساس کردند که ادریسیان از نظر معنوی و روحی سلطه آنان را تهدید می کنند (نصرالله، ۱۹۸۷: ۲۹-۳۲). لذا فاطمیان، فاس که شهری مهم به لحاظ تجاری و نیروی انسانی در مغرب اقصی بود را تصرف کردند (ابن ابی زرع؛ ۱۹۷۲: ۱۰۳-۱۰۱؛ سلاوی، ۲۰۰۱: ۷۵-۶۴) هر چند که حسن حجاج ادریسی توانست فاس را مجدداً برای مدتی باز پس گیرد ولی نهایتاً فاطمیان در سال ۳۷۵ ه.ق به عمر دولت شیعی ادریسی پایان دادند (عبدالرزاق، ۱۹۸۹: ۱۷۷-۱۷۸).

ادریسیان و فاطمیان همواره برای سلطه بر مناطق و راه های تجاری مغرب با یکدیگر رقابت می کردند (جنتانی، ۱۹۸۶: ۷۳). یکی از مهمترین راه های نفوذ فاطمیان در قلمرو ادریسیان استفاده از تجار و مقوله تجارت بود. فاطمیان جاسوسان خود را در قالب تاجر و بازرگان به مغرب اقصی می فرستادند و اطلاعات بسیار مهمی را از این طرق از اوضاع و شرایط سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ادریسیان کسب می کردند از جمله مشهورترین جاسوسان فاطمی که اطلاعات ارزشمندی از اوضاع

و شرایط جغرافیایی، نیروی انسانی و نظامی مغرب اقصی ادریسی در اختیار فاطمیان گذاشتند، باید به ابوالسیر الریاضی و ابن حوقل جغرافیدان معروف قرن چهارم نام برد (عبدالرزاق، ۱۹۸۹: ۱۷۶). مثلاً ابن حوقل اوضاع تجاری شهره بصره از شهرهای تجاری ادریسی را اینگونه شرح داده است که شهر بصره بازارهای آباد و پر رونقی دارد و پنبه تولیدی در مغرب اقصی از طریق بصره به سایر نقاط صادر می شود و اینکه تجار بصری مال التجاره خود را ابتدا با کشتی به دیگر بنادر ادریسی در اقیانوس اطلس حمل می کنند و سپس از آنجا به هر کجا که خواستند صادر می کنند (ابن حوقل، ۱۹۳۸: ۸۰/۱). ابن حوقل درباره سوس اقصی نیز گفته است که شهری پر نعمت و ولایتی عظیم است (همان، ۹۱/۱). در مجموع ابن حوقل از هر جای سرزمین ادریسیان که عبور کرده است به فراوانی مواد غذایی و میوه اشاره کرده و پایین بودن قیمت ها را ستایش و به آبادانی سرزمین ادریسیان اشاره کرده است (همان، ۱۰۳/۱).

در واقع باید گفت که همین موقعیت تجاری و جغرافیای خاص مغرب اقصی و توصیفات ارائه شده از وضعیت آباد و پر رونق اقتصادی و قرار گیری بر سر راه های تجاری زمینی و دریایی مغرب اقصی عصر ادریسی بود که در دوران ضعف سیاسی، آن را مورد طمع دولت های همجواری چون امویان اندلس و بویژه فاطمیان قرار داد و نهایتاً این امویان اندلس بودند که با کشتن حسن گنون آخرین امیر ادریسی در سال ۳۷۵ق، دولت ادریسی را منقرض نمودند و مغرب اقصی را تحت سیطره خود قرار دادند (ابن ابی زرع؛ ۱۹۷۲: ۱۱۲-۱۱۱؛ سلاوی، ۲۰۰۱: ۱۱۱).

### نتیجه گیری

ادریس بن عبدالله که از بازماندگان قیام فح بود، به مغرب الاقصی متواری شد و در آنجا موفق شد تا با متحد کردن قبایل مختلف بربری، دولتی جدید بنام دولت ادریسی تاسیس نماید. پیش از تأسیس دولت ادریسی در مغرب، بدلیل سیاست های ناکارآمد والیان دولت های اموی و سپس عباسی در اخذ مالیات ها، خراج اراضی و جزیه، شورش های متعددی توسط بربرها به راه افتاده بود که از نتایج آن نا امنی در راه ها، ویرانی مزارع و آبادی ها و متعاقب آن رکود و خرابی اوضاع اقتصادی، خصوصاً تجارت و بازرگانی مغرب بود. با تأسیس دولت ادریسی در مغرب و اهتمام آنان به ایجاد

امنیت راه های تجاری زمینی و دریایی و همچنین اعمال سیاست های درست اقتصادی، زمینه های لازم برای رونق و شکوفایی اقتصادی در همه بخش های اقتصادی اعم از کشاورزی، صنعت، معدن و بویژه بخش تجارت و بازرگانی مغرب اسلامی فراهم شد. به نحوی که گزارش های متنوعی از رونق اقتصادی عصر ادریسیان در زمینه های مختلف توسط جهانگردان ارائه شده است.

ادریسیان با تأسیس شهر فاس و انتخاب آن به پایتختی خود، تجار، صنعتگران و اهل حرف را تشویق به مهاجرت به آنجا نمودند و با رواداری سعی نمودند تا از هنر و مهارت آنان در جهت شکوفایی اقتصادی مغرب اقصی بهره بردند. ادریسیان با اقداماتی نظیر ایجاد کانال های انتقال آب و حفر قنات ها و تشویق به کشت محصولات متناسب با هر منطقه ای به رونق کشاورزی کمک کردند. در بخش صنعت نیز با ایجاد صنایع مختلف و کمک به شکوفایی صنایع بومی و سنتی منطقه، ضمن رفع نیازهای داخلی، زمینه صادرات محصولات و فرآوردهای صنعتی را فراهم کردند. در بخش معدن هم با استخراج معادن طلا و نقره و آهن و نمک، هم در ضرب سکه و تهیه جنگ افزار نقش ایفا نمودند و هم زمینه ثروتمندی دولت و تمول رعایای خود را فراهم نمودند.

از ویژگیهای عصر ادریسی در بعد تجارت این بود که، تجارت به عنوان یک عامل مهم و تأثیرگذار در سیاست خارجی و روابط آنان با دولت های همجوار، فارغ از درگیری های سیاسی، نظامی و مذهبی ما بین آنها، به حساب می آمد و مبادلات تجاری و مراودات بازرگانی دارای اهمیت و جایگاه ویژه ای بود. در روابط ادریسی - اغلبی نیاز طرفین به مناسبات تجاری باعث کاهش اختلافات سیاسی و مذهبی بین آنان شد و درگیری میان آنان از شکل درگیری مستقیم نظامی به اشکالی ملایم تری مانند تحریک آشوبگران، توطئه و تحریک قبایل، تبدیل شده بود.

روابط ادریسیان با دولت های خارجی برعکس، بنومدرار و بنو رستم هر چند که به دلیل اختلافات مذهبی و رقابت بر سر منابع اقتصادی به شدت خصمانه بود، ولی تحت تأثیر ارتباط مستمر تجاری و تلاش طرفین برای دست یابی به منافع اقتصادی و تجاری و با تلاش تجار و بازرگانان بویژه تجار یهودی ساکن در قلمرو طرفین همواره برقرار بود. ادریسیان با امویان اندلس نیز مبادلات بازرگانی و تجاری منظمی داشتند و اوج این روابط در قالب ایجاد بازارچه مرزی «اصیلا» خودنمایی می کرد. روابط ادریسیان با فاطمیان شیعی نیز که بیشتر در قالب تعارض ایدئولوژیکی و رقابت بر سر منابع اقتصادی مغرب نمود پیدا می کرد باعث شد که ابتدا فاطمیان جاسوسان خود را در قالب تاجر و

بازرگان به قلمرو ادریسیان گسیل بدارند و در دوران ضعف سیاسی که قلمرو ادریسیان مورد طمع دولت های همجواری مانند فاطمیان بود، امویان اندلس با کشتن آخرین امیر ادیسی ضمن منقرض کردن دولت ادیسی قلمرو آنان را از آن خود نمودند.

مهمترین و تأثیر گذارترین اقدامات ادریسیان بر مقوله تجارت و بازرگانی عصر خود عبارت بود از ایجاد امنیت راه های تجاری، رواداری و اعمال سیاست تساهل و تسامح، احترام به مالکیت خصوصی، ارائه طرح های متنوع اقتصادی، ایجاد امکانات رفاهی برای تجار و بازرگانان و ایجاد توسعه مراکز اقتصادی مانند بازارهای داخلی و بازارچه های مرزی. این اقدامات دولت ادریسیان باعث رونق و گسترش تجارت در عصر آنان شده است و به ایجاد و تداوم حکومت آنان در طی دو قرن منجر گردید.

### منابع

- ۱- ابن ابی زرع الفاسی، علی، ۱۹۷۲م، الانیس الامطرب بروض القرطاس فی اخبار ملوک و تاریخ مدینه فاس، الرباط، دار المنصور للطباعه والوراقه
- ۲- ابن اثیر، عزالدین ابی الحسن، ۱۳۷۱، الکامل، ترجمه ابوالقاسم حالت و عباس خلیلی، تهران، موسسه مطبوعاتی علمی
- ۳- ابن بطوطه، شمس الدین محمد بن عبدالله، ۱۳۷۶، رحله ابن بطوطه، ترجمه محمد علی موحد، تهران، انتشارات آگه، چاپ ششم
- ۴- ابن حوقل، ابوالقاسم محمد بن حوقل النصیبی، ۱۹۳۸م، صوره الارض، بیروت، دار صادر افسست لیدن
- ۵- ابن خطیب، لسان الدین، ۱۹۶۴م، تاریخ المغرب العربی فی العصر الوسیط، تحقیق و تعلیق احمد مختار العبادی و محمد ابراهیم الکتانی، *الدار البیضاء* (کازابلانکا)، ناشر دار الکتاب
- ۶- ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد، ۱۳۶۳، تاریخ ابن خلدون (العبر)، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی

- ۷- اصطخری، ابراهیم بن محمد، ۲۰۰۴، المسالك والممالك، تحقیق محمد جابر عبدالعال، قاهره، الیهئه العامه لقصور الثقافه
- ۸- اصفهانی، ابوالفرج علی بن الحسین، ۱۳۸۰، مقاتل الطالبین، ترجمه سید هاشم رسولی محلاتی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی
- ۹- ابن صغیر، ۱۴۰۶ق، اخبار الأئمه الرستمیین، تحقیق محمد ناصر و ابراهیم بحاز، بیروت، دارالمغرب الإسلامی
- ابن عذارى مراکشى، احمد بن محمد، ۱۹۴۷-۱۹۵۰م، البیان المغرب فی اخبار المغرب، بیروت، مکتب صادر
- ۱۰- ابوالفداء، عماد الدین اسماعیل، ۱۳۴۹، تقویم البلدان، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران
- ۱۱- ادریسی، ابوعبدالله محمد، ۱۹۵۷م، تاریخ إفريقيا الشمالیه والصحراویه مستخرج من کتاب نزہه المشتاق فی اختراق الآفاق، الجزائر، نشر هنری بیرس
- ۱۲- ادریسی، ابوعبدالله محمد، ۱۴۰۹ق، نزہه المشتاق فی اختراق الآفاق، بیروت، عالم الکتب
- ۱۳- اعتماد السلطنه، محمد حسن بن علی، ۱۳۶۷، مرآه البلدان، تهران، چاپ عبدالحسین نوابی و میرهاشم محدث
- ۱۴- بکری، عبدالله بن عبدالعزیز، ۱۸۵۷م، المغرب فی ذکر بلاد افريقيه والمغرب، بغداد، مکتب المثنی
- ۱۵- جنحانی، حبیب، ۱۹۸۶م، دراسات فی التاريخ الاقتصادی والاجتماعی للمغرب اسلامی، بیروت، دار الغرب الاسلامی، الطبعه الثانيه
- ۱۶- چلونگر، محمدعلی، عصمت برزگر، ۱۳۹۴، دولت ادريسيان، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
- ۱۷- حموی، یاقوت بن عبدالله، ۱۹۹۵م، معجم البلدان، بیروت، دار صادر، طبع الثانيه
- ۱۸- دانشکیا، محمد حسین، ۱۳۹۶، «وضعیت و نقش دولت ادريسيان در تمدن اسلامی» فصلنامه علمی-پژوهشی شیعه شناسی، سال پانزدهم، شماره ۵۹، (ص ص ۱۰۸-۷۹)
- ۱۹- دشتی، رضا، ۱۳۹۱، «مفهوم و جایگاه امامت در نزد قرامطه شرق عربستان»، فصلنامه علمی-پژوهشی تاریخ، محلات، دانشگاه آزاد اسلامی، سال هفتم، شماره بیست و پنجم، (ص ص ۵۰-۳۷)

- ٢٠- سالم، سيد عبدالعزيز، ١٩٩٣م، من جديد حول برغواطه هراطقه المغرب في العصر اسلامي، اسكندريه، مؤسسه شباب الجامعه
- ٢١- سائح، حسن، ١٩٨٦م، الحضاره الاسلاميه في المغرب، بيروت، دارالثقافه، الطبعة الثانيه
- ٢٢- سائح، حسن، ٢٠٠٠م، الحضاره المغربيه «بدايه و الاستمرار»، رباط، منشورات عكاظ
- ٢٣- سلاوي، احمد بن خالد الناصري، ٢٠٠١م، الاستقصاء ل اخبار دول المغرب الاقصى، *الدار البيضاء* (كازابلانكا)، منشورات وزارة الثقافه والاتصال
- ٢٤- سوادى، عبد محمد، ١٩٨٩م، دراسات في تاريخ المغرب العربي من القرن الثالث حتى قرن العاشر الهجرى، بصره، جامعه البصره كليه الآداب
- ٢٥- شرحبيلى، محمد بن حسن، ٢٠٠٠م، تطور المذهب المالكي في المغرب الاسلامي حتى نهايه العصر المرابطى، المحمديه (المغرب)، وزارت الاوقاف و الشؤون الاسلاميه
- ٢٦- عبدالرزاق اسماعيل، محمود، ١٤١١ هـ.ق، الادارسه، قاهره، مكتبه مدبولي
- ٢٧- عبدالرزاق اسماعيل، محمود، ١٩٧٦م، الخوارج في المغرب الاسلامي، قاهره، مكتبه مدبولي
- ٢٨- عبدالرزاق اسماعيل، محمود، ١٩٨٩م، الادارسه في المغرب الاقصى (١٧٢-٣٧٥)، بيروت، مكتبه الفلاح
- ٢٩- عبدالرزاق اسماعيل، محمود، ١٤٠٦ هـ.ق، الخوارج في بلاد المغرب حتى منتصف القرن الرابع الهجرى، قاهره، دارالثقافته و دارالبيضاء (كازابلانكا)
- ٣٠- عبد الحميد، سعد زغلول، ١٩٦٤م، تاريخ المغرب العربي، اسكندريه، مؤسسه الثقافه الجامعيه
- ٣١- الغنيمى، عبدالفتاح مقلد، ١٩٩٤م، موسوعه المغرب والاندلس، قاهره، مكتبه مدبولي
- ٣٢- قره چانلو، حسين، ١٣٨٠، جغرافياى تاريخى كشورهاي اسلامى، تهران، انتشارات سازمان مطالعه و تدوين كتب علوم انسانى (سمت)
- ٣٣- قلقشندى، ابوالعباس احمد بن على، ١٣٥٩ هـ.ق، نهايه الارب في معرفه انساب العرب، تحقيق ابراهيم الأبيارى، بيروت، دار الكتاب البناني، الطبعة الثانيه
- ٣٤- قلقشندى، ابوالعباس احمد بن على، ١٩٨٧م، صبح الاعشى في صناعه الانشاء، تعليق نبيل خالد الخطيب، بيروت، دار الفكر

- ۳۵- کسائیان، سمیه، ستار عودی، نصرالله، پور محمدی املشی، ۱۳۹۹، «بررسی و تحلیل اوضاع اقتصادی عصر طلایی اندلس در دوره حاکمیت عبدالرحمن الناصر ۳۰۰-۳۵۰ هجری قمری و حکم المستنصر ۳۵۰-۳۶۶ هجری قمری»، فصلنامه علمی پژوهشی تاریخ، محلات، دانشگاه آزاد اسلامی، سال ۱۵، شماره ۵۹، (ص ص ۵۷-۲۳)
- ۳۶- کنون، عبدالله، ۱۹۷۵م، النبوغ العربی فی الادب العربی، بیروت، دار الكتاب اللبناني، الطبعة الثالث
- ۳۷- کونل، ارنست، ۱۳۴۷، هنر اسلامی، ترجمه هوشنگ طاهری، تهران، انتشارات مشعل آزادی
- ۳۸- لاپیدوس، ایرام، ۱۳۷۶، تاریخ جوامع اسلامی قرون نوزدهم و بیستم، ترجمه محسن مدیر شانه چی، مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی
- ۳۹- مسعودی، علی بن حسین، ۱۳۸۷، مروج الذهب، ترجمه ابوالقاسم باینده، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ هشتم
- ۴۰- مکناسی، احمد بن محمد ابن قاضی، ۱۹۷۳م، جذوه الاقتباس فی ذکر من حلّ من الاعلام مدینه فاس، رباط، دار المنصور
- ۴۱- مقدسی، ابو عبدالله محمد بن احمد، ۱۳۶۱، احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم، ترجمه علیتقی منزوی، تهران، شرکت مؤلفان و مترجمان ایران
- ۴۲- مؤلف مجهول، ۱۹۸۵م، الاستبصار فی عجایب الامصار، تحقیق و تعلیق سعد زغلول عبدالحمید، بغداد، دار الشؤون الثقافیه العامه
- ۴۳- مونس، حسین، ۱۹۹۲م، تاریخ المغرب و حضارته، جزء اول، بیروت، العصر الحدیث للنشر و التوزیع
- ۴۴- ناصری طاهری، عبدالله، ۱۳۷۵، مقدمه ای بر تاریخ سیاسی اجتماعی شمال آفریقا از آغاز تا ظهور عثمانیها، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
- ۴۵- ناصری طاهری، عبدالله، ۱۳۸۹، مقدمه ای بر تاریخ مغرب اسلامی، قم، انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ سوم
- ۴۶- نریمان فرد، لایلا و امیر تیمور رفیعی، ۱۳۹۷، «سیاست های نظامی موسی بن نصیر در آفریقا و اندلس در دوره ولید بن عبدالملک»، فصلنامه علمی پژوهشی تاریخ، محلات، دانشگاه آزاد اسلامی، سال سیزدهم، شماره ۵۱، (ص ص ۵۰-۳۷)

۴۷- نصرالله، سعدون عباس، ۱۹۸۷م، دولة الادارسه فی المغرب العصر الذهبی، بیروت، دارالنهضة العربیه

۴۸- نعنعی، عبدالمجید، ۱۳۸۰، دولت امویان در اندلس، ترجمه محمد سپهری، قم، انتشارات پژوهشکده حوزه و دانشگاه

۴۹- یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، ۱۴۲۲ ه.ق، البلدان، بیروت، دار الکتب العلمیه، الطبعة الاولى

۵۰- یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، ۱۳۷۱، تاریخ یعقوبی، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ ششم